

این



جشن « نوروز جمشیدی »

۲۵۶۲ شاهنشاهی - ۷۰۲۵ آریایی میتراپی

بر ایرانی نیک سرشت، شاد و خجسته باد



تنها بر سر سازندگان ایران نوین

رضاشاه بزرگ، پهلوی اول و فرزندش شاهنشاه آریامهر، پهلوی دوم، نبود!

این تاج افتخاری بود که بر سر یکایک ملت ایران بود.

افسوس که ارج آنرا را ندانستیم!

جوان بادبخت تو در فروردین چو در فروردین ماه روی زمین

ای اهورامزدا، ای آفریدگار پاک

ترا پرستش میکنیم و از تو یاری می جوئیم، برای پایداری و سرفرازی میهن پرافتخار خود.
برای پایداری سرزمینی آریایی که جایگاه شناسایی تو و گهواره زندگی مردمان برگزیده توست.
برای سرفرازی و پیروزی ملت پرفرنگ ایران نیایش میکنیم ترا، ترا ای نگهدار مرز و بوم
ایران کهن، پایدارساز سرزمین نیاکان ما، سرزمینی که نوردانش و بینش بردنیای تاریخ و
سیاه می افشاند.

ما ایرانیان میدانیم که نوروز آیین شادی آور، دیرپایست که از بارینه ایام باروح و قلب هر ایرانی نیک سرشت
پیوندی دیرینه و گران دارد. حتی آن زمان که بیابان گردان عرب چشمه سارهای زلال ایران زمین را کور میساختند،
زمانیکه سربازان قتیبه بر کنار جیهون خیمه پراشته بودند و «ملهب» خراسان را پایی قتل عام میکرد. حتی
زمانیکه اعراب مهاجم (عراقی) وضحاک کیشان داخلی دست در دست دربی ضعیف کردن روحیه و فرهنگ
تسخیر ناپذیر ایرانی بودند، نوروز جمشیدی یادگار نیاکان خود را عزیز و گرمی داشتند و خواهند داشت. امید
است در بهاری که در راه است، نیت کنیم که دلپایمان را صاف نماییم و میانی اندیشه های خود را بر ایرانیت
استوار کنیم. بیاییم در او رمزد روز به پایمردی خیال از صحرای قرون در گذریم و در همه نوروزهایی که در زیر
آسمان پاک و آفتاب روشن سرزمین آریا برپا میشده است، با همه زنان و مردانی که خون آنها در رگهایمان و
نفس هایشان در دلپایمان میزند، شرکت کنیم و بدین گونه «بودن خویش» را بعنوان یک ملت در تندباد
ریشه برانداز زمان ها و آشوب گسیختن ها و دگرگون شدن ها همیشه بخشیم. بکشیم در آستان فروردین
ماه با هم (هم آوا) شویم. جوهر شایسته نیاگان و نیاکان را خشنود سازیم و در میعادگاهی که همه نسل های
تاریخ و اساطیر ملت ما حضور دارند با آنان پیمان وفا ببرندیم و **< امانت عشق به ایران >** را از آنان
به ودیعه بگیریم.

نوروزتان پیروز باد

سازمان نیروهای ملی رهایی بخش ایران

بدر دین دیانی - پروفیسور دکتر پرویز کلانی

کوروش بزرگ

کوروش بزرگ در میان پارسها که به ده قبیله تقسیم شده بود و یکی
از آن قبایله ها «هخامنشی» خوانده میشد، بزرگ شد، در کودکی از پدر
مادر جدا شد و ده سال در کلبه مهرداد چوپان بسربرد تا اینکه موقع برپا
خیزی بر ضد آستیاگز ۵۵۰ ق.م. «پادشاه ماد» فرا رسید و به ماد حمله کرد.
آستیاگز پس از هارپاگ، خودش به جنگ کوروش رفت و جنگید. مادها
دلیرانه جنگیدند و نزدیک بود پارس ها شکست بخورند، که **مادران** و
زنان، لشگریان را سرزنش کرده و آنها را به جنگ بر ضد مادها ترغیب
نمودند. چون دیدند که مردان در تردید هستند، **زنها خودشان را هدف
تیرهای دشمن قرار داده و گفتند: «ای مردان، برگردید و سینه ها و
پهلوهایی ما را سنگر خودتان قرار دهید»**. این حرف غیرت پارسیها را
تحریک کرد و آنها برگشتند و با حملات شجاعانه، لشکر ماد ها را از جا
کنندند. پادشاه ماد اسیر شد! اما، کوروش با او مانند دشمنی مغلوب رفتار
نکرد و مانند جد خود به او التفات نمود.

افتخار بر کوروش فرزند محبوب اهورامزدا که در مدتی کوتاه قوم خود را در نخستین صف
اقوام جهان قرارداد و شهرهای بزرگی که نماد مقدس از بزرگی تمدن پارسی بود بر
سطح خاک بنا کرد. افتخار بر جانشینانش، رضاشاه بزرگ و شاهنشاه آریامهر، بنا
کنندگان ایران نوین و متمدن که نشانه مقدس از ایرانپرستی ایشان بود و تابناک
استکه، اعلیحضرت پهلوی سوم، رضاشاه دوم هم بر مغلوبان التفات خواهند نمود.